

اثرات و پیامدهای تحریم‌های اقتصادی دولت ایالات متحده آمریکا

حسین غلامی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول).
mrhosseinholami94@gmail.com

قاسم دشتبانی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر، رفسنجان، ایران.
imandastbani123@gmail.com

چکیده

اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران به دلیل وضع تحریم‌های بی‌رحمانه و ظالمانه دولت ایالات متحده آمریکا در سالیان اخیر دچار مشکلات و ضررهای جبران ناپذیری زیادی شده است، که این معضلات نه تنها در داخل کشور بوده بلکه در جوامع بین‌الملل هم ایران با آن روبروست. از جمله مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی تحریم ایالات متحده آمریکا می‌توان به آن اشاره نمود: تورم، نرخ ارز، بیکاری و تحریم‌های بانکی بوده است، که در این مقاله به این موضوع پرداختیم و متوجه شدیم این تحریم‌ها تا چه اندازه اثر تخریبی بر اقتصاد ایران گذاشته است که سبب کوچکتر شدن اقتصاد ایران در جوامع بین‌الملل شده است. البته پژوهش حاضر سعی شده، به موضوع پیامدهای تحریم‌های اقتصادی دولت ایالات متحده آمریکا پرداخته شود. پژوهش انجام شده توصیفی اکتشافی بوده و از نظر نتیجه، پژوهش مزبور کاربردی می‌باشد. نتایج این پژوهش، می‌تواند باعث غنی کردن ادبیات مربوط به اقتصاد ایران گردد.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، تورم، نرخ ارز، بیکاری، مبادلات بانکی.

مقدمه

یکی از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تحمیل خواسته‌های یک کشور و یا به عبارتی تأمین منافع آن به وسیله کشور دیگر استفاده از تحریم‌ها است، در این حالت کشور بزرگ و صاحب نفوذ در دنیای سیاست و اقتصاد قادر خواهد بود با اعمال محدودیت بر روی اقتصادی کوچکتر و صاحب نفوذ کمتر از خود، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی بر کشور کوچکتر تحمیل کند و این وضعیت در صورت همراهی سایر بازیگران مهم اقتصادی و سیاسی در جهان با کشور بزرگ تحریم کننده ابعاد جدی‌تری به خود می‌گیرد، وضعیتی که در مورد تحریم‌های اعمال شده بر اقتصاد ایران متصور است. با توجه به اهمیت این مسئله در این نوشتار اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران بررسی شده است و اینکه آیا این اثر مستقیم بوده است یا به علت مشکلات دیگر اقتصاد است که اثرگذار شده است (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۶). در واقع، یکی از اهرم‌های اصلی تحریم‌های اقتصادی، محدودیت دسترسی به منابع اقتصادی است که مهم‌ترین آن‌ها تجارت برون‌مرزی هست. لذا دولت هدف از یک شریان اصلی که نیازهای مادی جامعه از طریق آن برآورده می‌شود را از دست می‌دهد و نبود ثروت موجب می‌شود تا منابع لازم برای پیشبرد اهداف حقوق بشری موجود نباشد. برای مثال روشن است که ارتقای وضعیت دسترسی به منابع آموزشی، نیازمند صرف سرمایه‌های عظیم است و اگر کشوری به این منبع دسترسی نداشته باشد، قطعاً در پیشبرد اهداف با مشکل مواجه خواهد بود؛ بنابراین مشخص می‌شود که تحریم‌های اقتصادی نمی‌تواند اثری را که به دنبال آن هستند را به بار آورد. از سوی دیگر، ضوابط حقوق بشری نیز

خلاف اعمال تحریم‌های اقتصادی، مخصوصاً در دیگر، ضوابط حقوق بشری نیز خلاف اعمال تحریم‌های اقتصادی، مخصوصاً در مواردی که با حقوق افراد خصوصی تعارض پیدا می‌کند، است. هم‌چنین قوانین و مقررات حاکم بر تجارت بین‌الملل که تجلی آن را در سازمان تجارت جهانی^۱ شاهد هستیم، اعمال تحریم‌های اقتصادی را بسیار محدود و نزدیک به غیرممکن نموده است (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳). آمریکا و اتحادیه اروپا بعد از انقلاب اسلامی به ویژه در سال‌های اخیر، به منظور دستیابی به اهدافی خاص در سیاست خارجی به طور فزاینده‌ای از سیاست تحریم اقتصادی علیه ایران استفاده کرده‌اند و بیشتر تحریم‌ها تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و به پرونده هسته ای ایران مربوط بوده است. قطعاً هم‌چنین رفع آن‌ها، بر اقتصاد این کشور و کشورهای منطقه و جهان تأثیرات مختلفی خواهد داشت. پیوستگی عمیق اقتصادی میان کشورها و بنگاه‌های اقتصادی، وجود امکانات و ابزارهای ارتباطی پیشرفته برای کنترل مبادلات تجاری، مالی، پولی و امکان بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای اعمال فشار بر بنگاه‌های اقتصادی از جمله عواملی است که از یک طرف در کارآمدی تحریم اقتصادی علیه یک کشور مؤثر است و درجه موفقیت آن را بالا می‌برد و از طرف دیگر بر ناکارآمدی تحریم‌ها هم مؤثر است (نوسال^۲، ۱۹۸۹). درباره علل اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران تفسیرهای متفاوتی ارائه شده است، اما نگاه اجمالی به بیانات و دیدگاه‌های رسمی افرادی که در شکل‌گیری تحریم‌ها تاثیر داشته‌اند، بیانگر آن است که آمریکا دلیل تحریم ایران را رفتار این کشور ذکر می‌کند. از دیدگاه آنان، ایران کشوری تروریست بوده و در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است، رفتار تعارضی دارد و با صلح خاورمیانه مخالف است و در کل با شیوه و قوانین بین‌المللی همراهی نمی‌کند. امروز عملکرد کشورهای جهان و بررسی سابقه تحریم‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی، ابزار سیاسی مهم و معمولاً تأثیرگذار در دست کشورهای قدرتمند جهان بوده و آمریکا نیز همواره یکی از مجریان و طرفداران تحریم‌های اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در سیاست خود بوده است. در دستورالعمل ریاست جمهوری آمریکا به شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۸ مارس ۱۹۹۵ علت تحریم ایران عبارت است از تهدید فوق‌العاده‌ای که از جانب ایران متوجه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده آمریکا گردیده است (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹). تجربه نشان داده است هر زمان که کنگره آمریکا در موضوع ایران وارد شده، رفتار آمریکا نسبت به ایران سختگیرانه‌تر شده و این موضوع با تصویب قانون داماتو^۳ به وضوح قابل مشاهده است. درواقع، کنگره کوشش کرده تا سیاست‌های خود در قبال ایران را به صورت تصویب قوانینی مطرح کند که قابل تسری به کل جهان بوده و سایر کشورها نیز ملزم به پیروی از آن باشند. از زمان کلینتون، کنگره وارد موضوع ایران شد و دولت این کشور را وادار کرد تا از طرح‌های کنگره در قبال ایران پیروی نماید. پس از این زمان، میزان پیروی دولت از کنگره در قبال ایران بیشتر شده و حتی در برخی موارد مثل موضوع هسته‌ای ایران، دولت به بازوی اجرایی سیاست‌های کنگره در مقابل ایران تبدیل می‌گردد (مرادی و دهشیار، ۱۳۹۶). ترامپ^۴ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا تلاش کرد به عنوان یک قدرت بزرگ که جایگاه خود را در رقابت با چین در خطر می‌بیند، برای تثبیت قدرت خود در منطقه خلیج فارس، در برجام، به عنوان یک معاهده ضعیف، تجدیدنظر کند و با آوردن ایران به مذاکرات جدید با سیاست تهاجمی فشار حداکثری، هژمونی خود را به نمایش گذاشته و امنیت خود را در منطقه‌ای پرهرج و مرج افزایش دهد. آمریکا با این سیاست خواست افزایش امنیت خود، امنیت ایران را کاهش داد و ایران نیز به اتخاذ سیاستی تهاجمی، به عنوان پیامد خروج آمریکا از برجام، ترغیب کرد (نقشبندی و همکاران، ۱۳۹۹). پیامد افزایش فشارهای تحریمی در سیاست فشار حداکثری و ناتوانی اروپا از اجرای تعهدات برجامی خود، که با تهدیدات ایران برای افزایش توان هسته‌ای خویش همراه

¹ world Trade Organization (WTO)

² Nossal

³ Damo Law

⁴ Trump

بود، موجب شد تا ایران و اروپا برای جلوگیری از فشار تحریم‌ها اقتصادی و نفتی، در مذاکرات خود به راه‌حل ایجاد اینستکس^۱ در ژانویه ۲۰۱۹ (بهمن ۱۳۹۷) دست یابند، که ابزار اقتصادی سیاسی اروپا و ایران در برابر آمریکا به شمار می‌آید. اما حتی این ابزار نیز مورد مخالفت آمریکا قرار گرفت. در گزارش کنگره آمریکا درباره تحریم‌های ایران آمده است «کشورهای اتحادیه اروپا، علی‌رغم اینکه ایران تعهدات هسته‌ای خود را نقض کرده است و به رغم سیاست فشار حداکثری ترامپ، به حمایت از برجام ادامه می‌دهند». اتحادیه اروپا در تلاش است از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های مجدد آمریکا محافظت کند. اینستکس اولین معامله خود را در حدود ۵۴۰ هزار دلار تجهیزات پزشکی انجام داده است (خدمات پژوهشی کنگره^۲، ۲۰۲۰). اعمال تحریم‌های اقتصادی، اغلب با عنوان ابزاری جهت پیشبرد اهداف حقوق بشری توجیه شده است، اما نشانگر این واقعیت است که تحریم‌های اقتصادی نه تنها به بهبود وضعیت حقوق بشر کمکی نکرده‌اند، بلکه آن را وخیم‌تر نیز نموده است (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹). اقتصاد ایران در دهه سوم انقلاب به دلیل تشدید تحریم‌ها از سوی کشورهای خارجی (در جهت رسیدن به اهداف خود) با شرایط بحران اجتماعی مواجه شد که این شرایط را می‌توان با بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی به در این دوره به وضوح دید. در این دوره، کشور تحت فشار تحریم‌ها با مشکلاتی همچون تورم بالای ۲۰ درصد، رکود اقتصادی، کاهش تولید ملی، کاهش صادرات نفت، میزان بالای بیکاری، میزان بالای بدهی دولت به بانک مرکزی، بلوکه شدن دلارهای نفتی ایران از سوی کشورهای غربی، صعود نجومی قیمت مسکن، دلار و طلا و کاهش ارزش پول ملی در برابر ارز خارجی، کاهش ازدواج و بالارفتن سن ازدواج جوانان، مهاجرت به خارج به خاطر دستیابی به اشتغال، کاهش رشد ملی و افزایش طلاق مواجه بود. مجموعه این مشکلات که از یکسو ناشی از عدم انطباق الگوهای توسعه وارداتی، کاربست نادرست آن‌ها و از سوی دیگر نیز برآیند فشارهای خارجی برای متزلزل ساختن اقتصاد ایران بود، باعث شد تا سیاست‌گذاری کلان کشور به طرح راهبردهای جدید و کارآمدی برای تحکیم اقتدار ملی در منطقه و جهان ترغیب شود (سمیعی و حبیبی، ۱۳۹۴). از طرفی نرخ ارز از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان شناخته می‌شود که تغییرات آن بطور گسترده بر وضعیت تراز پرداخت‌ها و قدرت رقابت بین‌المللی یک کشور تاثیر می‌گذارد. در این میان انحراف نرخ واقعی ارز از سطح تعادلی بلندمدت و قابل دوام، معمولاً عدم تعادل‌های شدید در اقتصاد کلان به جای می‌گذارد. در چند دهه گذشته، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران غالباً درباره عملکرد نرخ‌های واقعی ارز در کشورهای در حال توسعه مطالعه‌های زیادی داشته‌اند و اغلب اعتقاد بر این دارند که اعمال سیاست‌های نامناسب نرخ ارز توسط برخی از کشورها، موجب تشدید بحران بدهکاری‌های بین‌المللی، عدم تعادل تراز تجاری، عدم موفقیت سیاست‌های اصلاحی و تعدیلی در رفع مشکلات اقتصاد شده است. در بین اقتصاددانان بر روی این موضوع توافق نظر وجود دارد که تثبیت نرخ ارز در سطحی نامناسب و انحراف آن از مسیر تعادلی، سبب کاهش چشمگیر در رفاه ملی از طریق تاثیر نامطلوب بر عملکرد اقتصاد می‌گردد (کندیل^۳، ۲۰۰۰). در این میان، جمهوری اسلامی در موازنه میان تهدیدها و فرصت‌هایی که در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای با این کشورها دارد، وزنه لازم را برای مقابله با این کشورها داراست که بخشی از آن‌ها ناشی از توانایی ذاتی و بالقوه جمهوری اسلامی مانند دارا بودن منابع شگرف، عضویت در اوپک به عنوان یک کشور کلیدی، کنترل نظامی بر تنگه هرمز، داشتن نیروهای نیابتی با کارکردهای چندوجهی، توانایی نظامی بالا است (شهنازی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). اقتصاد ایران درای وفور منابع طبیعی و بی‌توجهی کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی به توسعه کیفی آموزش و ارتقاء دانش و مهارت نیروی کار و انباشت سرمایه‌ی انسانی است که به عملکرد ضعیف اقتصادی در این کشورها منجر می‌شود. در این کشورها از جمله ایران برای تحول صنعتی و حضور در بازارهای صادراتی تلاش چندانی صورت

¹ Instax

² Congressional research service

³ Kandil

نمی‌پذیرد. به همین دلیل برای نیروی انسانی ماهر و دانش تقاضای زیادی وجود ندارد (نادمی و صداقت، ۱۳۹۷). در عصر حاضر، اقتصاد به عنوان پایه تولید ثروت و قدرت به منظور دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری امری ضروری است. این امر مورد توجه سیاستگذاران ایران نیز بوده و در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی، برنامه ریزی‌های اقتصادی فراوانی صورت گرفته است، در این راستا، تحریم‌های اقتصادی به مانعی در برابر دستیابی به این هدف بوده اند. تحریم‌ها بخش وسیعی از اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده و موجب محدودیت دسترسی به منابع مالی و ارز، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تورم و بیکاری و در نهایت کاهش رشد اقتصادی شده اند. با این حال به نظر می‌رسد کاهش وابستگی اقتصاد به نفت، بهبود ظرفیت تولید داخلی و کاهش آسیب پذیری در برابر عوامل خارجی از فرصت‌های ایجاد شده این تحریم‌ها هستند (فقه مجیدی و ضرونی، ۱۳۹۴). لذا پژوهش حاضر پیامدهای اقتصادی تحریم آمریکا را بیان می‌دارد، که در وهله اول روش‌شناسی پژوهش را توضیح می‌دهیم و در وهله دوم به مبانی نظری پژوهش می‌پردازیم و در وهله سوم واقعیت‌های اقتصادی ایران در چهار دهه گذشته و در نهایت نتیجه‌گیری از جمع مباحث ارائه خواهیم داد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اثرات تحریم دولت آمریکا در طی چهار دهه گذشته سبب شده است اقتصاد ایران همواره در ارتباط تجارت جهانی با دنیا در ابعاد گوناگون با مشکل روبرو باشد. چنانچه فشار حداکثری سبب توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشورهای مختلف حتی با کشورهای همسایه شده است و محدودیت در زمینه معاملات مالی و نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری سبب شده است. در این پژوهش با نگاه کلی به پژوهش‌های قبلی طی چهار دهه گذشته در زمینه تحریم انجام شده بود، بر آن شدیم که یک پژوهش جامع و کامل در زمینه پیامدهای اقتصادی تحریم دولت ایالات متحده آمریکا انجام دهیم. در این پژوهش ابتدا به کلیات تحریم پرداختیم، سپس به سمت تحریم‌های اقتصادی و پیامدهای آن می‌پردازیم و سپس اهمیت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران و دولت محور بودن شرکت‌ها در اقتصاد ایران مورد بحث قرار خواهیم دادیم.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش صورت گرفته از نظر فرآیند اجرا (نوع داده) کیفی بوده است. پژوهش کیفی شامل گردآوری یا خلق اطلاعات و تشریح پدیده‌ها است به عبارت دیگر پژوهش توصیفی در پی توصیف واقعی ویژگی‌های یک پدیده است. پژوهش کیفی ماهیت انتزاعی دارند و در این نوع پژوهش پژوهشگر لزوماً به دنبال آزمون فرضیه نیست. بلکه، به تشریح وقایع و آنچه که در جریان است و واقعیت دارد، می‌پردازد. پژوهش مزبور توصیفی نوع اکتشافی است. پژوهش اکتشافی، در خصوص شناسایی و تشریح پدیده‌هایی به کار می‌رود که پیش از این اطلاعاتی درباره آن در دسترس نبوده است و پژوهش‌های کمتری در مورد آن پدیده‌ها صورت گرفته است. این نوع پژوهش به صورت کیفی انجام شده و به ارائه‌ی یک نظریه‌ی جدید یا بسط مفاهیم در متون آن رشته ختم می‌شود. لذا در پژوهش حاضر در این پژوهش ابتدا به تعریف و توضیح متغیرهای تحریم، تاریخچه تحریم‌ها، دلایل وضع تحریم‌ها علیه ایران و اقتصاد در زمان تحریم می‌پردازیم و سپس با طبقه‌بندی تحریم‌ها از نظر موضوعی انجام می‌دهیم تا در نهایت به بحث اصلی که درباره پیامدهای وضع تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران است بپردازیم و سپس اهمیت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران و دولت محور بودن شرکت‌ها در اقتصاد ایران بحث خواهیم پرداخت.

مبانی نظری پژوهش

تحریم

تحریم فعالیتی یا عملی است که به وسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی (مجری تحریم)، علیه یک یا چند کشور دیگر (هدف تحریم)، به منظور مجازات این کشورها، با اهداف محروم ساختن آن‌ها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آن‌ها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم (از دید مجریان تحریم)، اعمال می‌شود (هایدر^۱، ۲۰۱۵).

تاریخچه تحریم‌های آمریکا علیه ایران

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به پنج دوره اصلی تقسیم‌بندی کرد که هر یک ویژگی‌های خاصی دارند:

- دوره اول ۱۹۷۹-۱۹۸۱ به نام دوره گروگان‌گیری.
- دوره دوم ۱۹۸۱-۱۹۸۸ به نام دوره جنگ ایران و عراق.
- دوره سوم ۱۹۸۹-۱۹۹۲ دوره بازسازی.
- دوره چهارم ۱۹۹۳-۲۰۰۱ در دوره ریاست جمهوری کلینتون، به نام مهار دوجانبه.
- دوره پنجم ۲۰۰۱ دوره پس از یازده سپتامبر (ولی‌زاده، ۱۳۹۵: ۴).
- دوره ششم از ژوئیه ۲۰۱۲ دوره هسته‌ای.
- دوره هفتم از ماه ژانویه ۲۰۱۹ تا هم‌اکنون (رسولی و نوروزی، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

دلایل وضع تحریم‌ها

- به طور خلاصه، دلایل وضع تحریم‌ها علیه ایران را می‌توان به صورت ذیل ارائه نمود:
- تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌ها یا حتی ایجاد تغییر در نظام سیاسی یک کشور.
 - تنبیه و مجازات یک کشور به دلیل سیاست‌های آن کشور.
 - ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف؛ بیشتر به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور.
 - ارتقای حقوق بشر، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی.
 - به کشور تحریم شده نشان داده شود که کشور تحریم کننده اقدامات آن کشور را تقبیح می‌کند.
 - برحذر داشتن کشور تحریم شده از تعقیب برخی سیاست‌های ناخوشایند در آینده (علیخانی، ۱۳۸۰).

اقتصاد ایران در زمان تحریم

اگرچه تحریم‌های اقتصادی سابقه طولانی در حیات بشری دارند اما در قرن معاصر ابعاد آن گسترده تر و شمار آن افزایش یافته است. کشور ایران در در دوره معاصر اولین بار در دهه ۱۳۳۰ به علت "نهضت ملی شدن صنعت نفت" از سوی انگلستان تحریم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل تسخیر سفارت آمریکا پیوسته از سوی آمریکا مورد تحریم قرار گرفته است. اما دور جدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از نیمه دهه ۱۳۸۰ آغاز و در سال ۱۳۹۰ به بهانه‌های هسته‌ای و حقوق بشر به اوج خود رسید (سادات و حسینی، ۱۳۹۶). تبدیل هر موضوعی در عرصه سیاست به تنش سیاسی، آن را تبدیل به بحرانی فرسایشی در نظام بین‌الملل می‌کند. چرا که عرصه سیاست عرصه کشمکش بین

¹ Haidar

بازیگران مختلف است و تداوم بحران گاهی در راستای منافع گروهی از بازیگران نظام است. با پیروزی انقلاب اسلامی، غرب همواره به دنبال طرح مسائل گوناگونی در ضدیت با نظام نوپای ایران بوده است. بزرگ جلوه دادن صدور انقلاب برای کشورهای منطقه و تحمیل جنگ هشت ساله بر ایران، اعمال تحریم‌های اقتصادی، اتهام زنی به ایران در ارتباط با نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم و در نهایت ترسیم برنامه هسته ای ایران به عنوان تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای همه در راستای تقابل با این انقلاب بوده است. بیش از دو دهه پرونده هسته‌ای ایران عرصه وزن کشی منافع بازیگران سیاسی گوناگون در سطح منطقه و جهان بوده است که هیچ منفعتی برای خود ایران در این تعاملات وجود نداشت. اگر چه ایران به توسعه فنی و علمی برنامه هسته‌ای خود مجدانه پرداخت (خیبری و محمدی، ۱۳۹۶). ورود جدی کنگره به بحث تحریم‌ها علیه ایران پس از جنگ سرد آغاز شد و در سال ۱۹۹۲ قانون "عدم اشاعه تسلیحات ایران و عراق"^۱ در قالب قانون اختیارات دفاع ملی ۱۹۹۳ و در ۱۹۹۶ نیز قانون تحریم‌های ایران و لیبی را تصویب کرد. به تدریج کنگره کوشش کرد تا قدرتی را که پیش از این عمدتاً توسط رئیس‌جمهور و از طریق فرمان‌های اجرایی اعمال می‌شد، تحت اختیار خویش درآورد. در واقع، حق بر اعمال تحریم علیه کشورهای دیگر نه تنها شامل تصویب قوانین؛ بلکه شامل تحمیل تحریم نیز هست؛ به طوری که دولت نیز مجبور به پیروی و اجرای آن در سیاست خارجی امریکاست. توانایی اعمال تحریم باعث شد تا کنگره بتواند با توان بیشتری به اثرگذاری در سیاست خارجی اندیشیده و حتی در برهه‌هایی کوتاه، ابتکار عمل در سیاست خارجی را نیز در اختیار گیرد. کنگره با تصور بر کارایی ابزار تحریم کوشش کرد تا این شیوه را نیز در برابر روسیه به کار بندد. (جانسون^۲، ۲۰۱۴).

شورای امنیت سازمان ملل متحد برنامه جامع اقدام مشترک که به طور مخفف برجام نامیده می‌شود، موافقت‌نامه‌ای است که در مورد برنامه هسته‌ای ایران میان این کشور و قدرت‌های بزرگ موسوم به ۵+۱ (پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان) به امضا رسید. بر اساس این توافقنامه بین‌المللی که با قطعنامه ۲۲۳۱ در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ شورای امنیت ملل متحد^۳ همراه شد، شورای امنیت تأیید کرد برجام یک تغییر اساسی در بررسی مسئله هسته‌ای ایران است. اجرای کامل برجام به ایجاد اطمینان در ماهیت منحصرأ صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران کمک خواهد کرد و برای عادی‌سازی و ارتقا همکاری با ایران مفید است (شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰۱۴). خروج آمریکا از برجام در ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت) همراه با این موضع‌گیری دولت آمریکا بود که راه مذاکره با ایران باز است. با این خروج، آمریکا به طور همزمان همه تحریم‌های هسته‌ای خود را که با برجام لغو شده بود، بازگرداند. با این حال اگرچه پمپو^۴ وزیر خارجه وقت آمریکا برای مذاکره با ایران دوازده شرط را پس از خروج بیان کرده بود، ترامپ دو هفته بعد از آمادگی گفتگو با ایران و به دنبال تغییر رژیم در ایران نبودن، سخن گفت. پمپو در دوم ژوئن ۲۰۱۹، اعلام کرد ما آماده گفتگو بدون هیچ پیش شرطی هستیم. اما تلاش آمریکا برای معکوس کردن اساس فعالیت‌های بدخیم ایران در منطقه ادامه خواهد یافت (ونگ^۵، ۲۰۱۹).

نقشبندی و همکاران (۱۳۹۹) بیان می‌کنند اثرات مختلف خروج آمریکا از برجام، به ویژه پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی در ابعاد گوناگون آن برای ایران و منطقه همچنان ادامه یافته است و با این وجود، اقدامات پراکنده دیپلماتیک و امیدهایی برای بازگشت آمریکا به این توافقنامه، همچنان چشم‌انداز احیای آن، تیره است.

¹ Iran-Iraq Arms Non-Proliferation Act of 1992 (IIANA)

² Johnson

³ United Nations Security Council

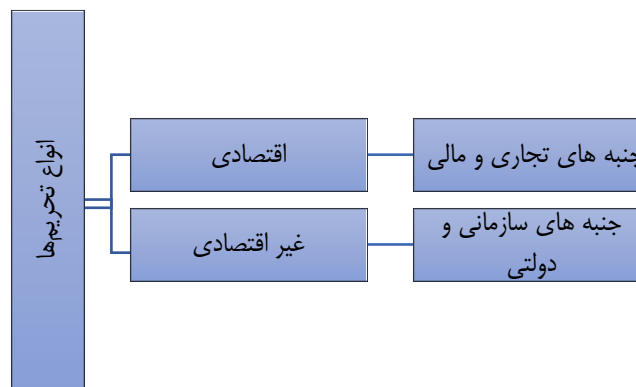
⁴ Pompeo

⁵ Wong

انواع تحریم‌ها

تحریم‌ها از نظر موضوع ابزاری به دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

- تحریم‌های اقتصادی: تحریم‌های اقتصادی عبارتند از دستکاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی یا در تعریفی دیگر تحریم اقتصادی، عبارت است از تدابیری قهرآمیز که توسط گروهی از کشورها علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز نموده و یا از معیارهای اخلاقی مقبول، تخطی کرده باشد، اعمال می‌شود (موهبتی، ۱۳۹۷). منظور از تحریم اقتصادی کاهش یا متوقف کردن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی کشور یا کشورهای تحریم‌کننده است. در واقع تحریم سلاحی اقتصادی در میدان مبارزهای غیر نظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر می‌برد و وارد حوزه‌ی عمل می‌کند (ایلر^۱، ۲۰۰۷).
- تحریم‌های غیراقتصادی: تحریم‌های غیراقتصادی نظیر صادر نکردن ویزا برای مقامات دولت تحریم شونده در یک سازمان بین‌المللی، مخالفت با پیشنهاد کشور تحریم شونده برای میزبانی وقایع مهم بین‌المللی همچون برگزاری مسابقات جام جهانی، المپیک و... به وسیله ابزارهایی جز تحمیل هزینه‌های اقتصادی قابل دستیابی هستند (عبادی‌مهر، ۱۳۸۷).



شکل (۱): انواع تحریم‌ها از نظر ابزار موضوعی

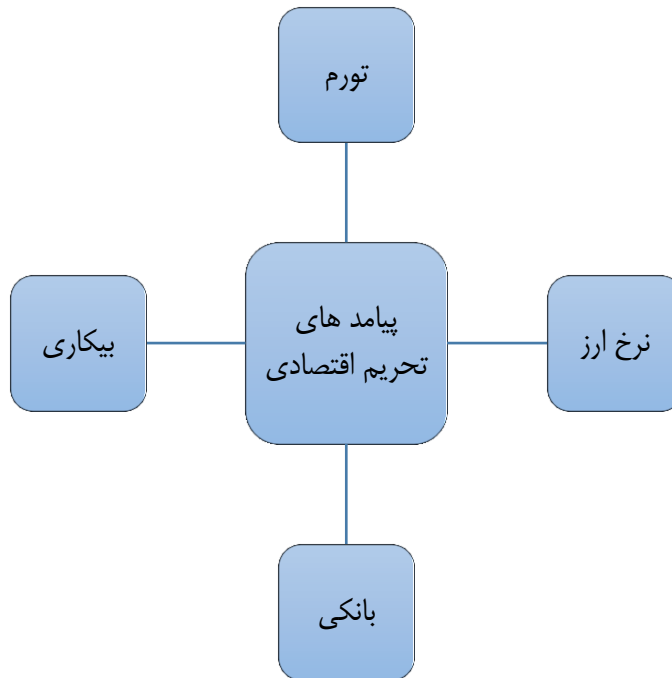
پیامد تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی اعمال شده که ممکن است از یک یا چند نوع از این تحریم‌ها به طور همزمان استفاده شود. هدف تحریم‌های تجاری کاهش واردات یا صادرات یا هر دو است. تحریم‌های مالی و بلوکه کردن دارایی‌ها نیز از طریق کاهش سرمایه‌گذاری یا نپرداختن وام و اعتبارات یا بالابردن هزینه تأمین مالی برای کشور هدف به کاهش تجارت منجر می‌شود. پس باتوجه به این موارد، مدل جاذبه، الگوی مناسبی برای ارزیابی آثار تحریم با درجات مختلف بر جریان تجارت دوجانبه است (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۲). تحریم‌های اقتصادی از جنبه های تجاری و مالی برخوردارند که در تحریم‌های تجاری، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی در زمینه صادرات و واردات اعمال می‌شود اما در تحریم‌های مالی، تحریم‌کننده از انجام معاملات مالی، نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری خودداری می‌کند و با استفاده از نفوذ خود در مؤسسه‌های مالی بین‌المللی از هرگونه همکاری فنی، سرمایه‌گذاری رسمی و انعقاد قراردادهای وام جلوگیری می‌کند. لازم به ذکر است شدیدترین شکل تحریم‌های مالی، انسداد یا مصادره دارایی‌های کشور تحریم شونده یا رهبران آنها

¹ Eylar

است. هر قیدی که به وسیله کشور فرستنده بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشور هدف در راستای وادار ساختن تغییر سیاستی وضع شود (عبادی‌مهر، ۱۳۸۷).
مهم‌ترین پیامدهای تحریم‌های اقتصادی در ایران به شرح زیر است:

- تورم
- نرخ ارز
- مبادلات بانکی
- بیکاری



شکل (۲): مهم‌ترین پیامدهای تحریم اقتصادی

تورم

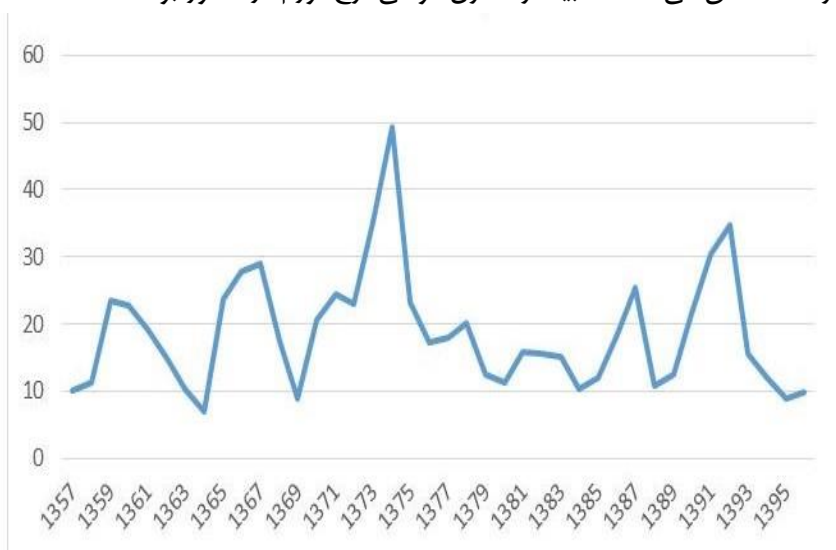
تحریم‌های اقتصادی دارای پیامدهای مختلفی هستند لذا اقتصادتحریم به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد و اقتصاد سیاسی گسترش یافته است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای تحریم، اثر آن بر تورم است. تورم به معنای افزایش پایدار سطح عمومی قیمت‌ها با فشار بر جامعه و مردم، یکی از پیامدهای مورد انتظار تحریم‌کنندگان است. چرا که از نظر آنان زمینه‌ساز اعمال فشار مردم به دولت‌مردان جهت تغییر رفتار آنان می‌شود (مرادی، ۱۳۹۳).

پیامد تورم بالا

تورم از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی است که مردم تأثیرات آن را بصورت مستقیم و سریع می‌بینند. لذا پایین نگه داشتن آن برای هر دولتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. تورم از عوامل مختلفی از جمله حجم نقدینگی و فشار تقاضا تحت تأثیر قرار می‌گیرد. البته هر عاملی که هزینه تمام شده کالا را افزایش دهد نیز می‌تواند به طریقی قیمت تمام شده کالا را افزایش دهد و نهایتاً باعث افزایش نرخ تورم شود. تحریم اقتصادی از دو کانال روی بهای تمام شده تأثیرگذار است اول با تحریم اقتصادی هزینه ورود برخی از کالاهای وارداتی و کالاهای سرمایه‌ای و قطعات افزایش می‌دهد و از این طریق بر قیمت اثر می‌گذارد. دوم ممکن است با همان قیمت کالاهای اقتصادی را بتوان وارد کرد اما این واردات

بصورت مستقیم امکان پذیر نیست و بایستی در چند مرحله وارد شود و این مسئله هزینه معاملاتی را افزایش دهد (موهبتی، ۱۳۹۷).

وجود تورم بالا و به تبع آن افزایش دستمزدها و دیگر هزینه‌های تولیدی، به افزایش ماریجی قیمت کالاها می‌انجامد؛ با توجه به این که قیمت ارزهای دیگر در مقابل ریال ایران کما بیش ثابت است، قیمت کالاهای ساخت داخل در مقابل تولیدات مشابه خارجی به شدت گران می‌شود و واردات افزایش می‌یابد. به همین جهت رونق نفتی می‌تواند با کاهش سودآوری و تنزل سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد به تخریب بخش‌های صنعت و کشاورزی در کشورهای صادر کننده نفت و در نتیجه کاهش اشتغال و افزایش بیکاری در این کشورها منجر شود (کریمی، ۱۳۹۴). در نمودار شکل (۳) نرخ تورم در چهل سال اخیر مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده آن است که دولت‌ها نتوانستند آن را در طی سال‌های اخیر مهار و کنترل نمایند. البته در جدول شکل (۴) نیز بیان می‌کند در بعضی دوره‌ها مثل سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۴ نرخ تورم حداقل ۱۰٪ و حداکثر ۱۵٪ نشان می‌دهد که بیانگر کنترل موقتی نرخ تورم در کشور بوده است.



شکل (۳) نمودار نرخ تورم ایران در چهل سال اخیر (منبع: خبرگزاری تابناک^۱)

^۱ www.tabnak.ir

25.4	1387	18.1	1377	28.9	1367	10	1357
10.8	1388	20.1	1378	17.4	1368	11.4	1358
12.4	1389	12.6	1379	9	1369	23.5	1359
21.5	1390	11.4	1380	20.7	1370	22.8	1360
30.5	1391	15.8	1381	24.4	1371	19.2	1361
34.7	1392	15.6	1382	22.9	1372	14.8	1362
15.6	1393	15.2	1383	35.3	1373	10.4	1363
11.9	1394	10.4	1384	49.4	1374	6.9	1364
9	1395	11.9	1385	23.2	1375	23.7	1365
9.9	شهریور 1396	18.4	1386	17.3	1376	27.7	1366

شکل (۴): نرخ تورم در چهل سال اخیر از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۹۶ (منبع: خبرگزاری تابناک)

هر چند تورم در اقتصاد ایران ریشه در عوامل مختلفی دارد و اقتصاد مدام درگیر دوره‌های باطل تورم بوده است؛ ولی یکی از گلوگاه‌های اصلی اثرپذیری آن خصوصاً در سال‌های اخیر شتاب حجم نقدینگی بوده است. طبق قانون برنامه ششم توسعه، می‌بایست حجم نقدینگی کل کشور با رشد متوسط سالانه ۱۷ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ به رقم ۲۸۵۰۸ هزار میلیارد ریال برسد. این در حالی است که طبق آخرین اطلاعات گزارش فصلی اقتصاد ایران متوسط رشد سالانه نقدینگی کل کشور از ابتدای برنامه ششم (سال ۱۳۹۶) تا سال ۹۸ بیش از ۲۵ درصد بوده است که با فرض پذیرش این نرخ، حجم نقدینگی کل کشور در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۹۰۰۰ هزار میلیارد ریال خواهد بود که با اهداف برنامه ششم تفاوت زیادی دارد. همچنین طبق قانون برنامه‌ی ششم توسعه، نرخ تورم کل کشور می‌بایست با متوسط سالانه ۸/۸ درصد، در سال ۱۴۰۰ به ۷/۹ درصد برسد. این در حالی است که متوسط نرخ تورم سالانه خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ بیش از ۲۳ درصد بوده است و طبق آخرین اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در خرداد ماه ۱۳۹۹ این نرخ ۲۷/۸ درصد بوده است که فاصله زیادی با اهداف تعیین شده در برنامه ششم دارد. لذا لازم است در سال جهش تولید سیاست‌گذار پولی و مالی با هدف ایجاد فضای مناسب برای کسب‌وکارهای کشور تا حد ممکن سیاست‌های تورم‌زا را از دستور کار خود خارج کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

نرخ ارز

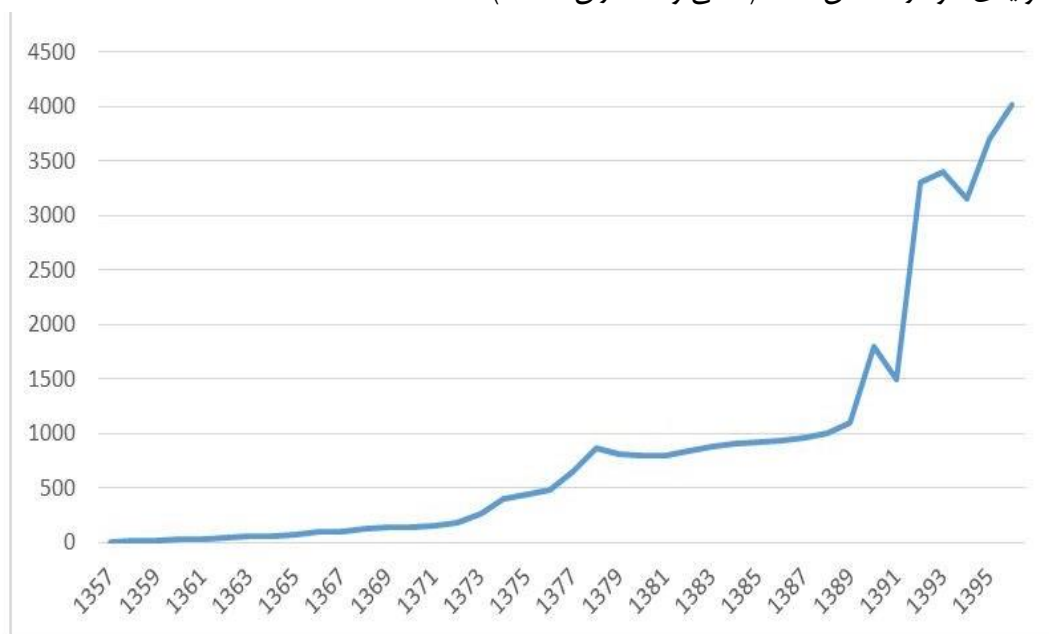
نرخ ارز به عنوان معیار ارزش برابری پول ملی یک کشور در برابر پول کشورهای دیگر، منعکس‌کننده وضعیت اقتصادی آن کشور در مقایسه با سایر کشورهاست. با فرض تبدیل‌پذیری کامل انواع پول‌ها در یک کشور، نرخ ارز شاخص مهمی از اقتصاد پولی است که در تمام عرصه‌های اقتصادی تأثیر زیادی می‌گذارد (گرچی و خیابانی، ۱۳۸۱).

علل نوسان نرخ ارز

در اقتصاد یک کشور نرخ ارز به دلیل ارتباط متقابل خود با سایر متغیرهای داخلی و خارجی، از این جهت که هم از سایر تحولات اقتصادی داخل و خارج از کشور اثر می‌پذیرد و هم بر متغیرهای اقتصادی داخل و خارج اثر قابل توجهی می‌گذارد، متغیری اساسی است. نوسانات نرخ ارز همواره یکی از موضوعات اساسی و مهم در اقتصاد کشور بوده است. این رو تحلیل رفتار نرخ ارز و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن به منظور تدوین سیاست‌های مناسب همواره مورد توجه کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است (حلافی و همکاران، ۱۳۸۳). رشد اقتصادی از جمله مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است که نسبت به تحولات نرخ ارز حساسیت نشان می‌دهد. چنانچه نرخ ارز به طور مناسب و هماهنگ با دنیای داخل و خارج اقتصاد و در یک فضای مناسب تنظیم نشده باشد، سبب کندی رشد اقتصادی خواهد شد (برخورداری و جلیلی، ۱۳۹۷).

تحریم‌های اقتصادی همواره بر بازار ارز اثرگذار بوده است که میزان اثرگذاری آن به شدت تحریم‌ها بستگی داشته است (نادمی و همکاران، ۱۳۹۶). به عنوان نمونه در جدول (۵) مشاهده می‌کنید در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ با آغاز تحریم‌های بی‌سابقه بانک مرکزی و تحریم‌های نفتی، بازار ارز دچار جهش یکباره و نوسانات شدیدی شد که نمودار نرخ ارز بازار آزاد نیز تایید کننده این امر است. بطوری‌که نرخ دلار آمریکا در بازار آزاد از حدود ۱۰۰۰ تومان در فروردین سال ۹۰ به بیش از ۳۰۰۰ تومان در نیمه دوم سال ۹۱ رسید.

مهم‌ترین دلیل افزایش پرنوسان نرخ ارز در چند سال اخیر به تحریم‌های نفتی و بانکی بر ضد کشورمان باز می‌گردد. تحریم‌های نفتی منجر به کاهش قابل توجه درآمدهای ارزی کشور گردید و در واقع از دیدگاه عرضه و تقاضای ارز در بازار ارز منجر به کاهش ناگهانی و شدید عرضه ارز در بازار شد و بالتبع افزایش شدید نرخ ارز را به دنبال داشت. از سوی دیگر تحریم‌های بانکی بخصوص تحریم بانک مرکزی منجر به مختل شدن مبادلات پولی کشور شد و فعالیت‌های بازرگانی کشور را دچار اختلالات فراوانی نمود لذا درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی نیز دچار اختلالات جدی شد. از طرف تقاضا اما هم‌چنان واردکنندگان کشور نیازی مبرم به ارز داشتند که به دلیل کمبود منابع ارزی، تامین ارز نیازهای وارداتی کشور دچار مشکلات عدیده‌ای گشت. در چنین فضایی تخصیص ارز به واردات اولویت بندی شد و حتی برخی کالاها مشمول عدم تخصیص ارز دولتی شدند و لذا نتیجه آن افزایش ناگهانی قیمت بسیاری از کالاها بود. بسیاری از تولیدات کشور به جهت وابستگی به واردات کالاها و واسطه‌ای و مواد اولیه دچار کاهش تولید و در برخی موارد به تعطیلی بنگاه منجر گردید. بنگاه‌های تولیدی برای رهایی از زیان ناچار شدند یا قیمت‌ها را افزایش دهند و یا کیفیت و حجم کالای تولیدی خود را کاهش دهند (نادمی و همکاران، ۱۳۹۶).



شکل (۵): نمودار تغییرات نرخ قیمت دلار در بازار آزاد در چهل سال اخیر (منبع: خبرگزاری تابناک)

966	1387	646	1377	96	1367	10	1357
1000	1388	863	1378	120	1368	14	1358
1100	1389	813	1379	141	1369	20	1359
1800	1390	792	1380	142	1370	27	1360
1500	1391	799	1381	149	1371	35	1361
3300	1392	832	1382	180	1372	45	1362
3400	1393	874	1383	263	1373	58	1363
3150	1394	904	1384	403	1374	61	1364
3700	1395	922	1385	444	1375	74	1365
4016	20 مهر 1396	935	1386	478	1376	99	1366

شکل (۶): نرخ قیمت دلار در بازار آزاد از سال ۱۳۵۷ الی سال ۱۳۹۶ (منبع: خبرگزاری تابناک)

آمار و اطلاعات بیانگر این واقعیت است که در ۵ دهه گذشته در اقتصاد ایران بازار ارز نوسانات زیادی را تجربه کرده است. بانک مرکزی نیز با هدف کنترل تورم همواره بدنبال کاهش نرخ ارز از طریق عرضه ارز به بازار بوده است. این درحالی است که افزایش و یا کاهش نرخ ارز هر کدام پیامدهای منفی خاص خود را به همراه دارد. در بازار ارز شاید مهم‌تر از کاهش نرخ ارز، ثبات آن به معنی کاهش نوسانات و هماهنگی با سایر فعالیت‌های اقتصادی مهم است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

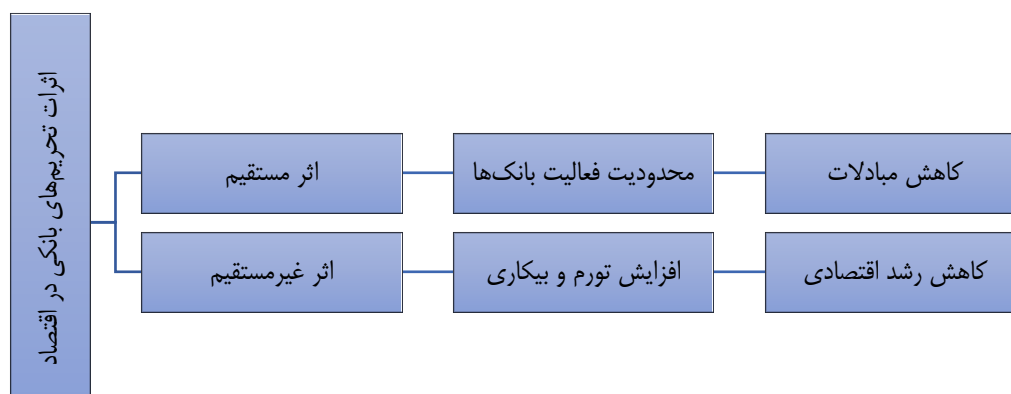
تحریم مبادلات بانکی

تحریم‌های بانکی ابزاری است که شبکه ارتباطات بانکی را هدف قرار می‌دهد. بدیهی است این وابستگی خود معلول وابستگی به تجارت (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری هر کشوری که وابستگی اقتصادی کمتری به تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی است و طبعاً خارجی داشته باشد، وابستگی کمتری نیز به بانک‌های خارجی خواهد داشت. به دلیل وابستگی ارتباطات اقتصادی در عرصه بین‌المللی به خدمات بانکی، تحریم‌های بانکی قوی‌ترین تحریم مالی و اقتصادی محسوب می‌شود و می‌تواند اختلال تجاری برای کشور هدف را نیز به دنبال بیاورد (علوی، ۱۳۹۳).

اثرات تحریم‌های بانکی در اقتصاد کشور هستند:

- اثر مستقیم: آن در محدودیت‌ها و مشکلات فعالیت‌های بانکی می‌باشد که در شکل شماره یک در قالب تحریم‌های اولیه و ثانویه خود را نشان می‌دهد.
- اثر غیرمستقیم: به شکل افزایش تورم و بیکاری، شکل‌گیری انتظارات تورمی (رسانه‌ها به عنوان کاتالیزور و تشدیدکننده بار روانی تحریم‌ها نقش بسیار مؤثری در تشدید انتظارات تورمی دارند)، کاهش رشد اقتصادی بروز پیدا می‌کند.

درواقع خاصیت ارتباط چندجانبه اجزای یک اقتصاد باعث می‌شود تا تحریم یک بخش از اقتصاد در نهایت کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد و به عبارتی دیگر، تحریم‌های اقتصادی، متغیرهای کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که افول شدید این شاخص‌ها نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی را در بردارد که زمینه فشار به حکومت را جهت تغییر رفتار سیاسی تحریم شونده در جهت اهداف سیاسی تحریم‌گر را در پی دارد (سید نورانی و همکاران، ۱۳۹۸).



شکل (۷): اثرات تحریم‌های بانکی در اقتصاد

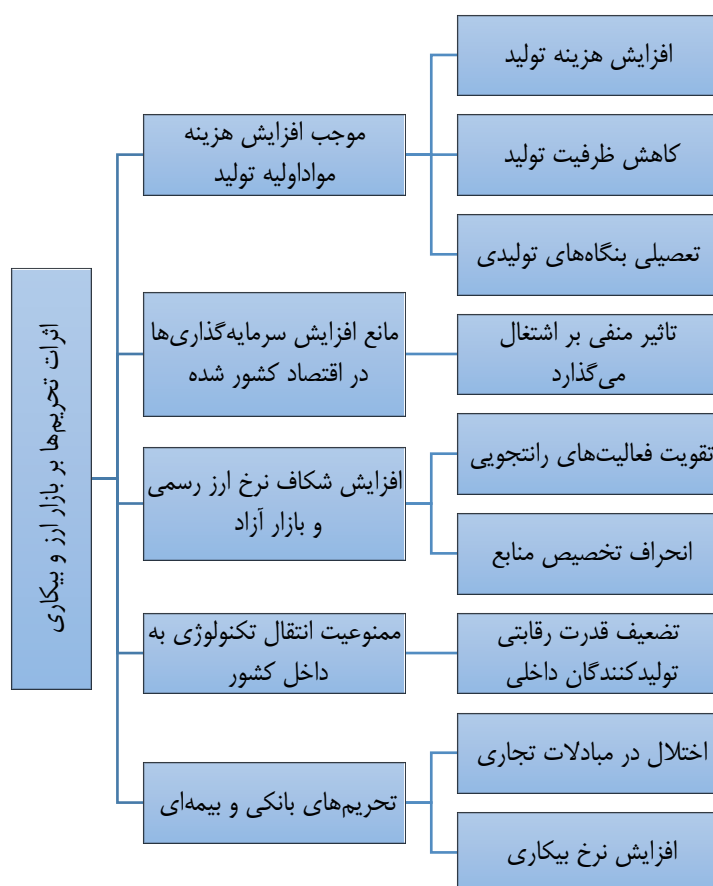
بیکاری

بیکاری اصلی‌ترین چالش پیش روی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به‌شمار می‌رود که پیامدهای نامطلوب آن تمام بخش‌های جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اقتصاد ایران طی چهار دهه گذشته همواره شاهد نرخ بیکاری دو رقمی بوده و پژوهشگران معتقدند عواملی از قبیل پایین بودن رشد اقتصادی، عدم توجه به طرح‌های کارآفرین، عملکرد نامطلوب نظام آموزشی در تربیت نیروهای ماهر، اندازه دولت، ضعف ساختاری بازار کار و شوک‌های اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی سبب افزایش بیکاری در جامعه شده است.

یکی از مسائل مرتبط با نیروی انسانی، مسئله اشتغال و بیکاری است. اشتغال به عنوان یک پدیده اقتصادی مؤثر در تحولات اقتصادی از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد؛ این مسئله از دیرباز مورد توجه اقتصاددانان بوده است. اشتغال و بیکاری از جمله متغیرهای اساسی هر کشوری است. به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، به عنوان شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع مطرح می‌شود. در واقع اشتغال و بیکاری، از جمله متغیرهای اقتصادی و اجتماعی هستند که در دوره‌های مختلف زمانی در تمام کشورهای جهان مورد توجه بوده و از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و اقتصاددانان هر کشوری است. موضوع بیکاری و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه، همچون ایران کاملاً متفاوت هستند. در ایران وجود نرخ بیکاری بالا در سال‌های اخیر، گواه بر وجود مشکلات گوناگون در اقتصاد کشور است. علت چنین نرخ بیکاری بالایی را می‌توان در عوامل متعدد از جمله کارآمد نبودن آموزش‌ها، پایین بودن نرخ‌های سرمایه‌گذاری، نبود زیرساخت‌های اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی و فقدان تقاضای مؤثر در بازار کار دانست. یکی از دلایل افت رشد اقتصادی کشور، افت شدید تولید و صادرات نفت خام و به تبع آن افت اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی است. مهم‌ترین عامل تغییرات کاهشی در این حوزه کاهش رشد تولید ناخالص داخلی بخش خدمات بر اثر تحریم‌های اعمال شده است. همچنین کاهش خدمات صنعتی در نتیجه تحریم‌های اعمال شده زمینه کاهش ارزش افزوده بخش خدمات را فراهم آورده است. علاوه بر این تحریم‌های اقتصادی باعث کاهش اشتغال بخش خدمات بین‌المللی شده است؛ مثلاً خدمات گردشگری دچار آسیب شده که تأثیر آن بر اشتغال بخش خدمات کم است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰).

رابطه نرخ ارز و بیکاری

تحریم‌ها از طریق سه اثر مهم بر بازار ارز موجب تاثیر بر متغیرهای اقتصاد کلان از جمله بیکاری می‌شوند. ابتدا تحریم‌ها از طریق افزایش نرخ ارز می‌تواند موجب افزایش هزینه مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی برای تولیدکنندگان داخلی شده و در نتیجه با افزایش هزینه تولید، برخی بنگاه‌ها را به کاهش ظرفیت تولید و برخی را به تعطیلی بکشاند و در نتیجه منجر به تعدیل نیروی کار در بخش‌های تولیدی شده و بیکاری را افزایش دهد. اثر دوم تحریم‌ها بر بازار ارز تاثیر بر نوسانات نرخ ارز است که به دلیل ایجاد نااطمینانی برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی مانع افزایش سرمایه‌گذاری‌های در اقتصاد شده و لذا تاثیر منفی بر اشتغال می‌گذارد. همچنین تحریم‌ها می‌تواند از طریق افزایش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد موجب تقویت فعالیت‌های رانتجویی و سفته بازی در بازار ارز شده و به انحراف تخصیص منابع منجر شود و لذا تخصیص منابع بجای حرکت به سمت تولید و اشتغال، صرف سفته بازی و رانتجویی در بازار ارز شود و تاثیر منفی بر اشتغال برجای گذارد. از طرف دیگر تحریم‌ها از طریق ممنوعیت انتقال تکنولوژی به داخل کشور موجب تضعیف قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در مقایسه با رقبای خارجی می‌شود و در نتیجه کاهش تولید و اشتغال داخل را در پی دارد. همچنین تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای از طریق اختلال در مبادلات تجاری صادرکنندگان کشور می‌تواند اثراتی منفی بر بخش‌های صادراتی داشته باشد که در نتیجه می‌تواند به افزایش نرخ بیکاری نیز منجر شود (نادمی و صداقت، ۱۳۹۷). البته در شکل شماره (۸) اثرات تحریم بر بازار ارز موجب تاثیر بر متغیرهای اقتصاد کلان از جمله بیکاری می‌شود را نشان داده است.



شکل (۸): اثرات تحریم‌ها بر بازار ارز و بیکاری

تحریم‌ها می‌توانند موجب نوسانات نرخ ارز و همچنین شکاف نرخ ارز اسمی و بازار آزاد می‌شوند. نوسانات نرخ واقعی ارز و انحراف آن از مسیر تعادلی، به شکل‌های گوناگون بر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه بخش تولید انعکاس

می‌یابد. زیرا این نوسانات، بیانگر بیثباتی و عدم قطعیت زیاد در روند قیمت‌های نسبی، افزایش ریسک و کوتاه شدن افق سرمایه‌گذاری، هزینه‌های تعدیل بالا به علت جابه‌جایی تولید بین بخش‌های تجاری و غیرتجاری و بی‌ثباتی بازارهای مالی به علت اثر انتظارات تغییر نرخ ارز در نوسانات نرخ بهره می‌باشد. همچنین، انحراف نرخ ارز واقعی از مسیر تعادلی آن، به توزیع نامناسب منابع، تخریب عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش فرار سرمایه، کاهش کارایی اقتصادی، کاهش تولید و در نهایت کاهش اشتغال منجر می‌شود (دوماک و شابیق^۱، ۱۹۹۹، گالا و لوکیندا^۲، ۲۰۰۶، حلافی و همکاران، ۱۳۸۳، جلایی و خسروی، ۱۳۸۵، زبیری و علمی، ۱۳۸۸).

اهمیت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران

ایران حدود ده درصد ذخایر نفت خام دنیا را در اختیار دارد. تحریم‌های حوزه نفت و انرژی از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در طول سال‌های اخیر گسترده‌تر و شدیدتر شده است. نقطه اصابت تحریم‌های حوزه انرژی و نفت را می‌توان مربوط به سه بخش خرید نفت، صنایع بالادستی و صنایع نفت پایین‌دستی نفت دانست (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱). نفت در اقتصاد ایران با سهم حدود ۲۰ درصد در تولید ناخالص داخلی یکی از پایه‌های اصلی تولید کشور به حساب می‌آید و نقش مهمی در تأمین منابع رشد اقتصادی از جمله تأمین انرژی لازم برای حرکت روبه جلوی سایر بخش‌ها، تأمین منابع بودجه دولت، تأمین منابع سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد. نقش‌های متعدد نفت در اقتصاد ایران و نحوه مدیریت این نقش‌ها باعث شده است که اثرگذاری این محصول خدادادی هم بر سمت عرضه و هم بر سمت تقاضای اقتصاد بسیار بالا باشد، از طرفی نفت در اقتصاد ایران از دو کانال متفاوت بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد یکی اثر مستقیم آن بر تولید ناخالص داخلی از کانال ارزش افزوده بخش نفت و دیگری اثر غیر مستقیم آن بر سایر اجزای تولید ناخالص داخلی است. با نگاهی به آمار و ارقام رشد اقتصادی، به نظر می‌رسد اثر غیر مستقیم بخش نفت بر رشد اقتصادی قابل توجه باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). درآمدهای نفتی از آنجا که متعلق به دولت است، آنگاه که افزایش پیدا می‌کند، امکان توسعه مخارج دولت را فراهم می‌آورد که به لحاظ بهبود برخورداری بیشتر مردم از امتیازات دولتی، رضایت کوتاه‌مدت عمومی را به همراه دارد. اما با بالا رفتن در آمد نفتی، سطح عمومی قیمت‌ها نیز شروع به افزایش می‌کند. به همین جهت با تداوم افزایش درآمدهای نفتی در طول زمان بروز بحران اقتصادی ناگزیر می‌گردد. افزایش مخارج دولت، خود را در افزایش پایه پولی و افزایش واردات منعکس می‌کند (نادمی و صداقت، ۱۳۹۷). از طرف دیگر، قیمت نفت در طول سالین متمادی از نوسان‌های بسیاری برخوردار بوده است. این افزایش و کاهش مداوم قیمت نفت موجب به وجود آمدن نااطمینانی در فضای اقتصاد کلان می‌گردد که این عدم اطمینان موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و تضعیف انگیزه‌های تولید در بخش‌های مختلف شده و در نتیجه بر سطح اشتغال اثر منفی می‌گذارد (صمدی و همکاران، ۱۳۹۲). درآمدهای نفتی مقطعی می‌تواند سبب تقویت ارزش واقعی ریال، به پشتوانه‌ی دلارهای نفتی شود ولی به بخش بزرگی از تولیدات کشور از جمله انواع پوشاک، کیف و کفش، صنایع چوبی و میوه و خشکبار لطمه می‌زند؛ به نحوی که نه تنها قدرت صادراتی این صنایع از میان رفته، بلکه در بازارهای داخلی نیز توان رقابت با انواع کالاهای وارداتی را از دست می‌دهند (نادمی و صداقت، ۱۳۹۷). کشورهای وابسته به منابع نفتی در یک وضعیت اقتصادی تاحدی راکد قرار دارند و هرگونه پویایی اقتصادی آن‌ها نیز به منابع درآمدی حاصل از انرژی وابسته است. این میزان از وابستگی، حجم و کارایی اقتصاد داخلی و خارجی یک کشور را به سهولت تحت تأثیر قرار می‌دهد و توانایی اقتصادی آن را به وضعیت بازار انرژی و درآمدهای

¹ Domac & Shabsigh

² Gala & Lucinda

ناشی از آن گره می‌زند (هات^۱، ۲۰۱۶). کاهش درآمدهای ناشی از منابع نفتی که در سال‌های اخیر به بحران دیپلماسی انرژی در خاورمیانه و موضوعی امنیتی میان کشورهای تولیدکننده و واردکننده و به ویژه سه کشور ایران با عربستان و امارات انجامیده است، زمینه را برای کاهش توانایی ایران در ایجاد بسترهای لازم برای کاهش وابستگی به نفت و پویایی منابع درآمدی فراهم آورده است. این امر حتی باعث افزایش هزینه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده است و سیاست خارجی کشور را در سطوح مختلف، به امری پرهزینه در عین کاهش منابع درآمدی آن بدل کرده است (رفیع زاده^۲، ۲۰۱۴). در نتیجه، انرژی که شاه‌رگ اقتصادی جمهوری اسلامی است، با تلاش مضاعفی از سوی غرب تحریم می‌شود و آسیب به جایگاه انرژی جمهوری اسلامی به معنای آسیب به بخشی از قدرت دیپلماتیک آن در فضای بین‌المللی و منطقه‌ای است که به شدت به ابزار چانه‌زنی بر سر نفت وابسته بوده است (شهنازی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). طبق گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۹۸ نزدیک به ۷۰ درصد درآمدهای نفتی کشور محقق نشده است که این مسئله منجر به برداشت از حساب صندوق توسعه ملی و انتشار اوراق مالی اسلامی جهت جبران این درآمدها شده است. در شرایط تحریم کنونی هر چند دسترسی اقتصاد کشور به حجم عظیمی از درآمدهای نفتی محدود شده است و این مسئله اثر منفی خود را بر اقتصاد به‌جای گذاشته است ولی از طرف دیگر فرصتی در اختیار سیاست‌گذار قرار داده که از شرایط ایجاد شده برای کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی استفاده بهینه را برده و سازوکارهایی برای ورود بهینه این درآمدها به چرخه اقتصاد بیاندیشد. شاید سال ۱۳۹۹ که در آن از یک طرف به‌خاطر شیوع ویروس کرونا در سطح جهان، تقاضا و قیمت نفت کاهش می‌یابد و از طرف دیگر به دلیل وجود و یا حتی تشدید تحریم‌های بین‌المللی دسترسی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی محدودتر خواهد شد، بهترین سال برای جداسازی بودجه عمومی دولت از نفت باشد. البته شرط تحقق آن همکاری و تعامل کل نظام جهت تأمین منابع بودجه دولت از سایر منابع به‌خصوص صندوق توسعه ملی و اوراق مالی اسلامی است. راهکار دیگری که برای پرکردن خلأ درآمدهای نفتی و هموار سازی درآمدهای دولت پیشنهاد می‌شود و نقش مهمی در بهبود فضای کسب‌وکار کشور دارد اصلاح نظام مالیاتی است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

دولت محور بودن شرکت‌ها در اقتصاد ایران

از آنجا که حرکت اقتصاد ایران در این سال‌ها عمیقاً به رفتار دولت و بخش‌های دولتی متأثر بوده است و دولت اعمال نقش اصلی و محوری را در تصمیمات و اقدامات مربوط به اقتصاد ایفا کرده است لذا نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر بر مبنای آمار و ارقام کمترین تعامل اقتصادی را در منطقه داشته است (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۹۴). در حالی که یکی از بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی در صحنه اقتصاد بین‌الملل شرکت‌ها و بنگاه‌های غیردولتی هستند و خودمختاری اقتصادی دیگر بازیگران در کنار دولت‌ها از ویژگی‌های مهم دیپلماسی اقتصادی محسوب می‌گردد، بازیگر غالب در عرصه دیپلماسی اقتصادی ایران از دوران سازندگی تاکنون با توجه به ماهیت اقتصاد ایران همچنان بخش دولتی است. اقتصاد قدرتمند دولت محور و بخش خصوصی ضعیفی که دولت را بزرگترین رقیب خود در فعالیت‌های اقتصادی می‌بیند و از طرفی کمترین سهم را در اقتصاد داخلی دارد، از توان رقابتی اندکی در صحنه بین‌المللی نیز برخوردار است. اولین و مهم‌ترین پیامد کارگزاری و کنترل دولت در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی خروج نظم اقتصادی از وضعیت رقابتی به وضعیت غیررقابتی و غیر بازاری است. این وضعیت باعث می‌شود که اقتصاد غیررقابتی ایران به دلیل ناسازگاری و ناهمگنی با منطق اقتصاد جهانی، فرصت و امکان مشارکت مؤثر در آن را به دست نیاورد (سلیمانی، ۱۳۹۵).

¹ Hutt

² Rafizadeh

پیامد دیگر تحریم‌ها، تاثیر بر کاهش سرمایه‌گذاری خارجی است که در پی آن، ریسک سرمایه‌گذاری شتاب فزاینده‌ای یافته و سرمایه‌های بسیاری از کشور خارج می‌شود (بصیری، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر تحریم‌های ظالمانه دولت ایالات متحده آمریکا توانسته آسیب‌های فراوانی را به اقتصاد ایران وارد نماید، چنانچه دولتمردان در طی چند دهه گذشته توانایی کنترل دائمی تورم، نرخ ارز در داخل کشور نداشته‌اند. همان طور که در پژوهش به این موضوع پرداختیم، در چهار دهه گذشته نرخ ارز و تورم و بالتبع آن بیکاری یکی از متغیرهای اقتصادی در طی چند دهه گذشته با شیب تند یا ملایم در حال افزایش بوده است و واقعیت‌های اقتصادی امروز ایران هم نشان از شرایط نابسامان اقتصادی نشان می‌دهد چنانچه افزایش نرخ ارز سبب افزایش هزینه مواد اولیه تولید که سبب افزایش بهای تمام شده تولید می‌شود که باعث می‌شود برخی بنگاه‌های تولیدی را به کاهش ظرفیت تولید و برخی را به تعطیلی بکشاند. البته نمی‌توان کتمان کرد دولتمردان ایرانی نیز در ایجاد این شرایط بی‌تقصیر نبوده و نشان از عدم کارایی و اثربخشی آنان را در چند دهه گذشته است. از طرفی می‌توان با شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه سبب رشد اقتصادی مثبت اقتصاد ایران در سال‌های آینده شد.

پیشنهادات کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش، مهم‌ترین عامل بر تمام متغیر اقتصادی کشور نرخ تورم است، به طوری که در صورت کنترل نرخ تورم و آوردن این نرخ در زیر پنج درصد که صد و هشتاد و پنج کشور دنیا توانسته‌اند آن در زیر پنج درصد کنترل نمایند، سبب می‌شود تمام مولفه‌هایی که بر نرخ تورم تاثیر گذارند از جمله نرخ ارز کنترل نمود. با توجه به نتایج پژوهش در صورت کنترل نرخ تورم و ایجاد ثبات اقتصادی در کشور و حمایت از بنگاه‌های تولیدی داخل، سبب کاهش میزان بیکاری و افزایش تولید ناخالص ملی کشور و رشد اقتصادی کشور می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش، در روند چهار دهه گذشته وجود اقتصاد ضعیف و دلال محور و وابسته به درآمدهای نفتی سبب شده است، اقتصاد ایران همیشه در مقابل تحریم‌های آمریکا از ضعف برخوردار بوده است، که دولت ایران می‌بایست سهم درآمدهای غیر نفتی خود در سال‌های آینده افزایش دهد.

منابع

- ✓ بصیری، جمشید، (۱۳۹۱)، آثار تشدید تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، مجله صنعت نساجی و پوشاک، مجله صنعت نساجی و پوشاک.
- ✓ برخوردار، سجاده، جلیلی بوالحسنی، حسین، (۱۳۹۷)، عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز در ایران با تأکید بر نقش تحریم‌های اقتصادی، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۳۵-۵۹.
- ✓ جلابی، عبدالمجید، خسروی، عاطفه، (۱۳۸۵)، انحراف از مسیر تعادلی نرخ حقیقی ارز و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲۰، صص ۸۵-۱۰۸.
- ✓ حلافی، حمید رضا، اقبالی، علی رضا، گسگری، ریحانه، (۱۳۸۳)، انحراف نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۸۸.
- ✓ حیدری، حسن، مریدی، پروین، عزتی، مرتضی، (۱۳۹۸)، برآورد تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر اشتغال بخش خدمات، مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۳۰، شماره ۱، صص ۱۹-۵۴.

- ✓ خیبری، کابک، محمدی، منوچهر، (۱۳۹۶)، تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۸۳-۱۰۴.
- ✓ دفتر مطالعات سیاسی، (۱۳۹۴)، الزامات تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی.
- ✓ زبیری، هدی، علمی، زهرا، (۱۳۸۸)، بررسی اثر شکاف نرخ ارز بر تورم ایران، مجله علوم انسانی دانشگاه سمنان، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۹۹-۱۱۸.
- ✓ رسولی امیرآبادی، مسعود، نوروزی، محمد، (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای بازاریابی بین‌المللی نفت خام ایران در شرایط تحریم، فصلنامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۱۳۴-۱۵۳.
- ✓ سمیعی اصفهانی، علیرضا، حبیبی، فاطمه، (۱۳۹۴)، نظریه پسا توسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، رویکرد مقایسه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۸، شماره ۶۶، صص ۵۱-۷۳.
- ✓ سلیمانی پورلک، فاطمه، (۱۳۹۵)، چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی، مجلس و راهبرد، شماره ۸۸، صص ۳۲۵-۳۵۸.
- ✓ سیدنورانی، سید محمدرضا، عبادی، مرتضی، امینی، امراه، تقوی فرد، محمدتقی، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کارایی بانک‌های ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۲، شماره ۸۳، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- ✓ شهنازی‌زاده، سیدرضا، کشیشیان سیرکی، گارینه، خداوردی، حسن، دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۸)، فرصت‌ها، تهدیدها و راهکارهای پیش روی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۱، صص ۷۹-۹۵.
- ✓ صمدی، علی حسین، ابراهیم هادیان، جعفری، محبوبه، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر نوسان‌های دائمی و موقتی قیمت نفت اوپک بر سرمایه‌گذاری، تولید و نرخ بیکاری در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال ۲، شماره ۷، صص ۷۵-۱۰۱.
- ✓ طغیانی، مهدی، سید عقیل حسینی، مرتضی درخشان، ایمان باستانی فر، حیدری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، اقتصاد تحریم، مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران، تهران، نیلوفران.
- ✓ عبادی مهر، محمود، (۱۳۸۷)، تحریم‌های مالی هدفمند، دستورالعملی برای طراحی و اجرا، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- ✓ عزتی، مرتضی، سلمانی، یونس، (۱۳۹۶)، برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران، مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۸، شماره ۶۷، صص ۶۹-۱۰۱.
- ✓ علیخانی، حسین، (۱۳۸۰)، تحریم ایران شکست یک سیاست، مترجم محمدتقی‌نژاد، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ✓ فقه مجیدی، علی، ضرونی، زهرا، (۱۳۹۴)، تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، کنفرانس جامع و بین‌المللی اقتصاد مقاومتی، صص ۴۷۳-۴۹۰.
- ✓ کریمی، زهرا، (۱۳۹۴)، نگاهی به اقتصاد ایران، انتشارات دانشگاه مازندران.
- ✓ گرجی، ابراهیم، خیابانی، ناصر، (۱۳۸۱)، یکسان‌سازی نرخ ارز و اثر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- ✓ مرادی، حسین، دهشیار، حسین، (۱۳۹۶)، نقش کنگره ایالات متحده در وضع تحریم‌ها علیه ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۳، صص ۹۵-۱۱۶.

- ✓ مرادی، حسین، (۱۳۹۳)، راهبردهای مالی و پولی برای کاهش تکانه‌های تورمی تحریم در ایران تجربه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲، تهران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال ۱، شماره ۲.
- ✓ موهبتی، یاسر، (۱۳۹۷)، بررسی تحریم‌های اقتصادی و تاثیر آن بر اقتصاد ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ویژه، صص ۴۶-۶۳.
- ✓ نادمی، یونس، صداقت کالمرزی، هانیه، (۱۳۹۷)، بررسی اثر شوک‌های قیمتی نفت و تحریم‌های اقتصادی بر رژیم‌های بیکاری در ایران با استفاده از رهیافت مارکوف سوئیچینگ، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- ✓ نادمی، یونس، جلیلی کامجو، سید پرویز، خوجیانی، رامین، (۱۳۹۶)، مدلسازی اقتصادسنجی تاثیر تحریم‌ها بر بازار ارز و مکانیسم انتقال آن به متغیرهای اقتصاد کلان ایران، فصلنامه مدلسازی اقتصادسنجی، سال ۲، شماره ۲، صص ۶۱-۸۷.
- ✓ نقشبندی، عقیل، دهشیری، محمدرضا، کشیشیان سیرکی، گارینه، قائدی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، پیامدهای سیاسی و اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران در دوره ترامپ و آغاز دوره بایدن، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۷۶.
- ✓ ولی زاده بریمانلو، قاسم، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر لغو تحریم‌ها و پسا برجام بر اقتصاد ایران از دیدگاه‌های گوناگون، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نویت در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، گرجستان، صص ۱-۱۶.
- ✓ وصالی، ساناز، ترابی، مهنوش، (۱۳۸۹)، اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی، فصلنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۱، ۳۸-۴۴.
- ✓ یآوری، کاظم، محسنی، رضا، (۱۳۸۹)، آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجله پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۱۱-۵۳.
- ✓ Congressional Research Service (2020). Iran Sanctions. CRS Report, November 18, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>
- ✓ Domac, I. and Shabsigh, Gh. (1999), Real Exchange Rate Behavior and Economic Growth, IMF Working Paper, 99.
- ✓ Eyler. R, (2007) Economic sanctions international policy and political economy at work, Palgravem, Macmillan.
- ✓ Gala, P. and Lucinda, C. R. (2006), Exchange Rate Misalignment and Economic Growth; Old and New Evidence, *Economica*, Brezilia, 7(4): 165- 187.
- ✓ Haidar, J.I. , 2015."Sanctions and Exports Deflection: Evidence from Iran," Paris School of Economics, University of Paris 1 Pantheon Sorbonne, Mimeo.
- ✓ Hutt, R. (2016, May). Which economies are most reliant on oil? In World Economic Forum (Vol. 10).
- ✓ Johnson. L.(2014), "Amid Shift From War, Obama Embraces Sanctions As Tool of Foreign Policy", Retrieved From: <http://www.rferl.org> , (2015/12/27).
- ✓ Kandil, M.(2000), The Asymmetrice Effects of Exchange Rate Fluctuations: Theory and Evidence from Developing Countries,IMf Working Paper.
- ✓ Katzman, Kenneth. (2016), Iran Sanctions. Accessible at: <https://www.amazon.com/Iran>.
- ✓ Nossal, Kim Richard, 1989. punishment international as sanctions International organization. Vol 43. No 2. pp 301-322.
- ✓ Rafizadeh, M. (2014). The syrian civil war: Four concentric forces of tensions. At: <https://www.arabnews.com/node/1640546>.
- ✓ United Nations Security Council (2015). Resolution 2231 (2015) on Iran Nuclear Issue, 14 July, at: <https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/background>
- ✓ Wong, E. (2019). Trump Administration Says It Will Negotiate with Iran with 'No Preconditions'. The New York Times, June 2,